

دوره نهم تقنینیه

جلسه ۱۲۰

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

(پنجمین مذاکرات اول فروردین)

شنبه ۲۹ دی ماه ۱۳۱۳ - ۱۳ شوال ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۲۹۴

قیمت انفرادی { سالیانه : ۱۰۰ ریال  
: ۲۵ ریال  
تک شماره : دو ریال

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۹ دی ماه ۱۳۱۳ \* ( ۱۳ شوال ۱۳۵۳ )

## فهرست مذاکرات

- ( ۱ ) تصویب صورت مجلس
- ( ۲ ) بقیه شور جلد دوم از قانون مدنی
- ( ۳ ) شور دوم قسمتی از جلد دوم قانون مدنی
- ( ۴ ) تقدیم يك نقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه
- ( ۵ ) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس يك ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید )

صورت مجلس پنجشنبه بیست و دوم دی ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند \* \* \*

### [ ۲ - بقیه شور جلد دوم از قانون مدنی ]

رئیس - ماده ۱۰۰۱ از جلد دوم قانون مدنی

ماده ۱۰۰۱ - اقامتگاه هر شخصی عبارت از هر محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است .

رئیس - ماده ۱۰۰۲

ماده ۱۰۰۲ - هیچکس نمی تواند بیش از يك اقامتگاه داشته باشد .

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - آقای پور سررئیپ

پور سررئیپ - بنده خواستم عرض کنم در جلسه گذشته

بنده در طهران بودم . . .

رئیس - در مجلس هم بودید

پور سررئیپ - بل در مجلس هم بودم

رئیس - اصلاح میشود . در صورت مجلس نظری

نیست ( خیر ) صورت مجلس تصویب شد .

\* \* \* عین مذاکرات مشروح یکصد و بیست و نهمین جلسه از دوره نهم تقنینیه ( مطابق قانون آذر ماه ۱۳۰۵ )  
دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غائبین بی اجازه - آقایان : امیر ابراهیمی - اسدی - دکتر قزل اویغ - وکیلی - یونس آقا و هدب زاده - شریعت زاده - طباطبائی دینا کورس - مدلل - پور سررئیپ .
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر طاهری - مرتضی قلی خان بیات - افغانی - عراقی اعظم زنگنه - مجد ضیائی - اسفندیزی - میرزا موسی خان مرآت - مودعی - طهرانی - پناهی - نیک پور - بختیار - تربخت - منصف - فراگزلو - همراه - هودی خراسانی

رئیس - ماده ۱۰۰۳

ماده ۱۰۰۳ - تغییر اقامتگاه بوسنله سکونت حقیقی در محل دیگر بعمل می آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور نیز بهمان محل انتقال یافته باشد.

رئیس - ماده ۱۰۰۴

ماده ۱۰۰۴ - اقامتگاه زن شوهر دار همان اقامتگاه شوهر است مملک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده می تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد.

رئیس - ماده ۱۰۰۵

ماده ۱۰۰۵ - اقامتگاه سفیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنهاست

رئیس - ماده ۱۰۰۶

ماده ۱۰۰۶ - اقامتگاه مامورین دولتی عملی است که در آنجا ماموریت ثابت دارند.

رئیس - ماده ۱۰۰۷

ماده ۱۰۰۷ - اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو هستند محل ساخلو آنهاست.

رئیس - ماده ۱۰۰۸

ماده ۱۰۰۸ - اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت میکنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود.

رئیس - ماده ۱۰۰۹

ماده ۱۰۰۹ - اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت بدعوی راجعه بآن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه خصوصی خود معین کند

رئیس - ماده ۱۰۱۰

ماده ۱۰۱۰ - اگر فون غالب بدو تفهیم تعیین تاریخ فون ثابت نگردد محکمه باید تاریخی را که فون او در آن تاریخ محقق بوده معین کند در اینصورت اموال غالب بین ورثانی که در تاریخ مزبور موجود بوده اند تقسیم میشود.

رئیس - ماده ۱۰۱۱

ماده ۱۰۱۱ - اگر غالب مفقود الاثر برای اداره اموال خود تکلیفی معین نکرده باشد و کسی هم نباشد که قانوناً حق تصدی امور او را داشته باشد محکمه برای اداره اموال او يك نفر امین معین می کند تقاضای تعیین امین فقط از طرف مدعی الموم و اشخاص ذینفع در این امر قبول میشود.

رئیس - ماده ۱۰۱۲

ماده ۱۰۱۲ - محکمه میتواند از امینی که معین می کند تقاضای ضامن یا تضمینات دیگر نماید.

رئیس - ماده ۱۰۱۳

ماده ۱۰۱۳ - اگر یکی از ورثان غالب تضمینات کافی بدهد محکمه نمی تواند امین دیگری معین نماید و وارث مزبور باین سمت معین خواهد شد.

رئیس - ماده ۱۰۱۴

ماده ۱۰۱۴ - وظائف و مسئولیتهای امینی که بموجب مواد قبل معین میگردد همان است که برای قیم مقرر است.

رئیس - ماده ۱۰۱۵

ماده ۱۰۱۵ - هرگاه هم فون و هم تاریخ فون مفقود غالب الاثر مسلم شود اموال او بین ورثان موجود حین الموت تقسیم میگردد اگر چه يك یا چند نفر آنها از تاریخ فون غالب بیخبر فون کرده باشد.

رئیس - ماده ۱۰۱۶

ماده ۱۰۱۶ - اگر فون غالب بدو تفهیم تعیین تاریخ فون ثابت نگردد محکمه باید تاریخی را که فون او در آن تاریخ محقق بوده معین کند در اینصورت اموال غالب بین ورثانی که در تاریخ مزبور موجود بوده اند تقسیم میشود.

رئیس - ماده ۱۰۱۷

ماده ۱۰۱۷ - مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت میگردد که حکم موت فرضی غالب صادر شود.

رئیس - ماده ۱۰۱۸

ماده ۱۰۱۸ - حکم موت فرضی شائب در موردی صادر میشود که از تاریخ آخرین خبری که از حیوة او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی ماند.

رئیس - ماده ۱۰۱۹

ماده ۱۰۱۹ - مواد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غائب زنده فرض نمیشود:

۱ - وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیوة غائب رسیده است گذشته و در اعضای مدت مزبور سن غائب از ۷۵ سال گذشته باشد

۲ - وقتی که بکنفر بعنوانی از عناوین جزو قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انقضاء صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هر گاه جنگ منتهی بانقضاء صلح نشده باشد مدت مزبور پنجسال از تاریخ ختم جنگ محسوب میشود.

۳ - وقتی که بکنفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد.

رئیس - ماده ۱۰۲۰

ماده ۱۰۲۰ - در مورد فقره اخیر ماده قبل اگر با انقضاء مدتهای ذیل که میده آن از روز حرکت کشتی محسوب می شود کشتی بمقصد نرسیده باشد و در صورت حرکت بدون مقصد به بندری که از آنجا حرکت کرده برنگردد و از وجود آن بهیچوجه خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب میشود.

۱ - برای مسافرت در بحر خزر و داخل خلیج فارس يك سال.

ب) برای مسافرت در بحر عمان - اقیانوس هند -

رئیس - ماده ۱۰۲۱

ماده ۱۰۲۱ - اگر کسی در نتیجه واقعه بغیر آنچه در فقره دو و سه ماده ۱۱۹۹ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده باشد وقتی می توان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنجسال از تاریخ دچار شدن بخاطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیوة مفقود رسیده باشد.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اینجا که نوشته شده است اگر کسی در نتیجه واقعه بغیر آنچه در فقره دو و سه ماده ۱۰۱۸ مذکور دچار خطر شود در صورتی که ماده هزار و هجده اصلاً فقره دو و سه ندارد و آن ماده ۱۰۱۹ است که این دو فقره را دارد پس بمقتضای بنده در اینجا سهو شده و باید اصلاح شود.

رئیس - در نسخه که بنده دارم تصحیح شده - معلوم میشود این تصحیح عمومیت پیدا نکرده - همه بطور تصحیح بفرمائید - ماده هزار و بیست و دو.

ماده ۱۰۲۲ - در مورد ماده هزار و هجده و هزار و بیست محکمه وقتی می تواند حکم موت فرضی را صادر نماید که در یکی از جرایم محل و یکی از روزنامههای کثیرالانتشار طهران اعلامی در سه دفعه متوالی هر کدام بفاصله يك ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غالب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند باطلاع محکمه برسانند هر گاه یکسال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیوة غالب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده می شود.

رئیس - ماده ۱۰۲۳

ماده ۱۰۲۳ - اگر اشخاص متعدد در يك حادثه تلف شوند فرض بر این میشود که همه آنها در آن واحد مرده اند

رئیس - ماده ۱۰۱۷

ماده ۱۰۱۷ - مفاد ماده فوق در موردی نیز رعایت میگردد که حکم موت فرضی غالب صادر شود.

رئیس - ماده ۱۰۱۸

ماده ۱۰۱۸ - حکم موت فرضی شائب در موردی صادر میشود که از تاریخ آخرین خبری که از حیوة او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی ماند.

رئیس - ماده ۱۰۱۹

ماده ۱۰۱۹ - مواد ذیل از جمله مواردی محسوب است که عادتاً شخص غائب زنده فرض نمیشود:

۱ - وقتی که ده سال تمام از تاریخ آخرین خبری که از حیوة غائب رسیده است گذشته و در اعضای مدت مزبور سن غائب از ۷۵ سال گذشته باشد

۲ - وقتی که بکنفر بعنوانی از عناوین جزو قشون مسلح بوده و در زمان جنگ مفقود و سه سال تمام از تاریخ انقضاء صلح بگذرد بدون اینکه خبری از او برسد هر گاه جنگ منتهی بانقضاء صلح نشده باشد مدت مزبور پنجسال از تاریخ ختم جنگ محسوب میشود.

۳ - وقتی که بکنفر حین سفر بحری در کشتی بوده که آن کشتی در آن مسافرت تلف شده است سه سال تمام از تاریخ تلف شدن کشتی گذشته باشد بدون اینکه از آن مسافر خبری برسد.

رئیس - ماده ۱۰۲۰

ماده ۱۰۲۰ - در مورد فقره اخیر ماده قبل اگر با انقضاء مدتهای ذیل که میده آن از روز حرکت کشتی محسوب می شود کشتی بمقصد نرسیده باشد و در صورت حرکت بدون مقصد به بندری که از آنجا حرکت کرده برنگردد و از وجود آن بهیچوجه خبری نباشد کشتی تلف شده محسوب میشود.

۱ - برای مسافرت در بحر خزر و داخل خلیج فارس يك سال.

ب) برای مسافرت در بحر عمان - اقیانوس هند -

بحر احمر - بحر سفید (مدیترانه) بحر سیاه و بحر ازوف دو سال.

ج) - برای مسافرت در سایر بحار سه سال.

رئیس - ماده ۱۰۲۱

ماده ۱۰۲۱ - اگر کسی در نتیجه واقعه بغیر آنچه در فقره دو و سه ماده ۱۱۹۹ مذکور است دچار خطر مرگ گشته و مفقود شده باشد وقتی می توان حکم موت فرضی او را صادر نمود که پنجسال از تاریخ دچار شدن بخاطر مرگ بگذرد بدون اینکه خبری از حیوة مفقود رسیده باشد.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اینجا که نوشته شده است اگر کسی در نتیجه واقعه بغیر از آنچه در فقره دو و سه ماده ۱۰۱۸ مذکور دچار خطر شود در صورتی که ماده هزار و هجده اصلاً فقره دو و سه ندارد و آن ماده ۱۰۱۹ است که این دو فقره را دارد پس بمقتضای بنده در اینجا سهو شده و باید اصلاح شود.

رئیس - در نسخه که بنده دارم تصحیح شده - معلوم میشود این تصحیح عمومیت پیدا نکرده - همه بطور تصحیح بفرمائید - ماده هزار و بیست و دو.

ماده ۱۰۲۲ - در مورد ماده هزار و هجده و هزار و بیست محکمه وقتی می تواند حکم موت فرضی را صادر نماید که در یکی از جرایم محل و یکی از روزنامههای کثیرالانتشار طهران اعلامی در سه دفعه متوالی هر کدام بفاصله يك ماه منتشر کرده و اشخاصی را که ممکن است از غالب خبری داشته باشند دعوت نماید که اگر خبر دارند باطلاع محکمه برسانند هر گاه یکسال از تاریخ اولین اعلان بگذرد و حیوة غالب ثابت نشود حکم موت فرضی او داده می شود.

رئیس - ماده ۱۰۲۳

ماده ۱۰۲۳ - اگر اشخاص متعدد در يك حادثه تلف شوند فرض بر این میشود که همه آنها در آن واحد مرده اند

رئیس - ماده ۱۰۲۴

ماده ۱۰۲۴ - اگر اشخاص متعدد در يك حادثه تلف شوند فرض بر این میشود که همه آنها در آن واحد مرده اند

مفاد این ماده مانع از اجرای مقررات مواد ۸۷۳ و ۸۷۴ جلد اول قانون مدنی نخواهد بود  
رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده خواستم آقای وزیر عدلیه توضیحی در این ماده بدهند که مقصود چیست که در اول میگوید اگر همه باهم مردند منظور میشود بعد این قسمت را استثنا می کند. اگر آن مواد عمومی در نظرشان هست بفرمایند و توضیحی بدهند

وزیر عدلیه (آقای صدر) - مواد ۸۷۳ و ۸۷۴ راجع به ترتیب ارث است که اگر يك اشخاصی نسبت بهم توارث داشته باشند و اگر حادثه تولید شده باشد که تاریخ فوت آنها معلوم نباشد يك ترتیبی هست که اگر تاریخ فوت یکی از آنها محقق باشد آن دیگری را که با او جنبه معارضه پیدا کند موخر فرض میشود زیرا که اصل تاخر حادث است. اینجا هم در باب ارث میگوید همانطور برقرار باشد ولی چون احکام دیگری هم دارد آنها باید فرض کرد که همه در آن واحد مرده اند

رئیس - ماده ۱۰۲۴:  
ماده ۱۰۲۴ - وراثت غائب مفقود الاثر می تواند قبل از صدور حکم موت فرضی او نیز از محکمه تقاضا نمایند که دارائی او را به تصرف آنها بدهد مشروط بر اینکه اولاد غائب مزبور کسی را برای اداره کردن اموال خود معین نکرده باشد و ثباتاً دو سال تمام از آخرین خبر غائب گذشته باشد بدون اینکه حیوة یافته او معلوم باشد در مورد این ماده رعایت ماده ۱۰۲۲ راجع به اعلان مدت یکسال حتمی است  
رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده خواستم سئوال کنم که در چه قسمت این ماده رعایت ماده ۱۰۲۲ لازم است. یعنی وقتی اولاد و وراثت شخص غائب تقاضا کردند که دارائی را بتصرف آنها بدهند چه وقت رعایت این ماده لازم است که یعنی آنوقت باید اعلام کنند. بنده درست ملتفت نشدم مقصود از این چیست

وزیر عدلیه - وقتی که دو سال از آخرین خبر غائب گذشته باشد و دیگر خبری از او نرسیده باشد و وراثت تقاضا کنند تصرف در اموال او را آنوقت باید اعلان کرد.

رئیس - ماده ۱۰۲۵:  
ماده ۱۰۲۵ - در مورد ماده قبل وراثت باید ضامن با تضمینات کافی دیگری بدهند تا در صورت مراجعت غائب و یا در صورتی که اشخاص ثالث حقی بر اموال او داشته باشند از عمده اموال و یا حق اشخاص ثالث برآیند تضمینات مزبور تا موقع صدور حکم موقت فرضی غائب باقی خواهد بود.

رئیس - ماده ۱۰۲۶:  
ماده ۱۰۲۶ - بعد از صدور حکم فوت فرضی نیز اگر غائب پیدا شود کسانی که اموال او را بعنوان وراثت تصرف کرده اند باید آنچه را که از اعیان باعرض و یا منافع اموال مزبور حین پیدا شدن غائب موجود می باشد مسترد دارند.

رئیس - ماده ۱۰۲۷:  
ماده ۱۰۲۷ - امینی که برای اداره کردن اموال غائب مفقود الاثر معین میشود باید نفقه زوجه دائم یا منتظمه که مدت او نگذشته و نفقه او را تهدد کرده باشد و اولاد غائب را از دارائی غائب تأدیه نماید در صورت اختلاف در میزان نفقه تعیین آن بعهده محکمه است

رئیس - ماده ۱۰۲۸:  
ماده ۱۰۲۸ - هرگاه شخصی چه از سال تمام غائب مفقود الاثر باشد زن او میتواند تقاضای طلاق کند در اینصورت با رعایت ماده ۱۰۲۲ حاکم او را طلاق میدهد.

رئیس - ماده ۱۰۲۹:  
ماده ۱۰۲۹ - اگر شخص غائب پس از وقوع طلاق و قبل از قضاء مدت عده مراجعت نماید نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضای مدت مزبور حق رجوع ندارد.

رئیس - آقایانی که بورود شور دوم این لایحه رأی

می دهند قیام فرمایند. (۱ کثیر قیام نمودند) تصویب شد  
گویا باید در خارج در يك لایحه قدری دقت شود اگر اجازه می فرمایید پنج دقیقه تنفس شود.

( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از بیست دقیقه تشکیل گردید )  
۳ - شور ثانی قسمتی از جلد دوم قانون مدنی  
رئیس - قسمتی از جلد دوم قانون مدنی شور دوم:  
خبر که بسببون:

کمیسیون قوانین عدلیه برای شور دوم لایحه نمره ۱۸۹۰۸ دولت را که بعنوان کتاب اول از جلد دوم قانون مدنی بمجلس شورای ملی پیشنهاد شده بود مطرح و پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را مورد مطالعه قرار داده بالاخره با موافقت آقای وزیر محترم عدلیه خبرشور اول خود را با اصلاحات جزئی تصویب و علیهذا راپورت آنرا تقدیم مجلس شورای ملی مینماید  
قانون مدنی

جلد دوم - در اشخاص  
کتاب اول - در کلیات

ماده ۹۵۶ - اهلیت برای دارا بودن حقوق بازنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می شود.  
رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - بدیهی است قانون مدنی از جمله قوانینی است که اهمیت زیاد دارد و چون این لایحه هم شور دومش است بنده عقیده دارم اگر در مواد قدری صحبت شود عیبی ندارد. اینجا در این ماده اهلیت که ذکر شده ظاهراً مقصود از آن همان اهلیت با اصطلاح اقتضائی است چون اهلیت دو قسم است: یکی اهلیت استعدادی و اقتضائی و یکی هم اهلیت فعلی است که شخصی که اهلیت دارد می تواند آن اهلیت خود را به موقع اجرا بگذارد و اعمال کند. آنچه در این ماده ذکر شده است همین اهلیت استعدادی و اقتضائی است نه اهلیت اجرایی که آن در ماده دیگر می آید که فقط این شخص که اهلیت دارد دارای حقوقی است ولی قطع نظر از این

که بتواند حقوق خودش را اجرا بکند یا نکند. این ماده فقط نظر است با اهلیت اقتضائی. پس در این صورت در این عبارتی که با مرگ او تمام می شود بنده اشکالی دانستم و خواستم آقای وزیر عدلیه هم توضیحی بدهند. زیرا اهلیت اقتضائی با مرگ تمام نمیشود. در بعضی فروضی که ما داریم شخصی که می میرد اهلیت استعدادی و اقتضائی او تمام نمیشود مثلاً شخصی نك باقی دارد بانك وقت مدت دارد اموالی برای خودش نك فرار داده دائماً یا نك فرار داده موقتاً یا اینکه املاک را وقت کرده حبس کرده در اینصورت این املاک این اموال مال ورثه نیست بقیداً ورتبه مالک آن نیستند و نمی توان هم گفت که فعلاً آن میت هم مالک آنهاست یعنی می تواند اجرا کند و بمقام اعمال بگذارد این هم که نیست ولی نك اهلیت استعدادی دارد این اموال اختصاص برایش دارد خواستم توضیح بدهند که این اموال یا املاک با این عبارتی که نوشته شده است که نك باقی بانك موقت باوقف باحبس و اینها چه صورت دارد؟ مال ورثه که نیست بلکه مال فعلی ملیت هم نیست ولی ملیت نك اهلیت اقتضائی نسبت باینها دارد.

وزیر عدلیه (آقای صدر) - قسمت اهلیت که آقای دیبا بیان فرمودند گویا تصور نمی کنم بتوان این را اهلیت اقتضائی یا استعدادی گفت مقصود اهلیت فعلی است و چنانکه گویا در شور اول هم عرض کردم دو اهلیت است نك اهلیت برای دارا شدن حقوق است و متمتع شدن و مستفید شدن یعنی واجد مال و حق شدن این بانسان زنده تعلق میگیرد و شبهه نیست که با مرگ او تمام میشود اما مسئله نك ووقف و این را باید خوب در نظر گرفت که شخصی که فوت شد تمام حقوقش فعلاً و اقتضائاً و استعداداً تمام شده و تلف شده و چیزی از برای او باقی نیست اگر هم هست البته بمنظور هم هست معتقد هم هستیم باینکه برای وقف و برای نك و اینها يك شویات اخروی بود و برسد ولی این برای نشاء آخرت است و ما در نشاء دنیا هستیم و صحبت از نشاء دنیائی

و حقوق دنیوی میکنند این مربوط نیست بآن اینکه فرمودید  
 نك مال ورثه نیست پای مال ورثه نیست ولی مثل وقف مال  
 مردم است مال و حقوق علیهم است مال و وصی عا بهم است مال آن  
 اشخاصی است که شخص در حیات خودش وصیت کرده  
 است و میتن فرار داده است که منافع آن مال بیک  
 اشخاص یا سایر طرق خیرات برسد پس تعلق بشخص او  
 ندارد و البته آقای بهر مطلع هستند که اخبار هم در اینجا  
 هست که وقتی انسان مرد عاقل منقطع میشود و هیچ  
 ارتباطی دیگر با دنیا و امور دنیوی ندارد و مقول هم  
 نیست که داشته باشد.

رئیس - نظر دیگری نیست؛ (گفته شد - خیر) آقایانیکه  
 باماده ۹۶۱ موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۹۵۷ قرائت میشود:

ماده ۹۵۷ - حل از حقوق مدنی متمتع می گردد  
 مشروط بر اینکه زنده متولد شود.

رئیس - نظری نیست؛ (گفتند - خیر) موافقین باماده  
 ۹۵۷ قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۹۵۸ قرائت می شود:

ماده ۹۵۸ - هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد  
 بود لیکن هیچکس نمی تواند حقوق خود را اجرا کند  
 مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

رئیس - آقای دیبا.

طباطبائی دیبا - در که بون عدلیه هم مذاکره شد  
 این جا ظاهراً لفظ اجرا مناسبتی ندارد چون اجرا از  
 مختصات دولت است شخص اگر صاحب حقوق هم باشد تا  
 قانون بهش اجازه ندهد البته حقوق خودش را نمی تواند  
 اجرا کند این است که بقیده بندم اگر عوض اجراء  
 اعمال بنویسند بهتر است. هیچکس نمیتواند حقوق خودش

را اعمال کند مگر اینکه اهلیت قانونی داشته باشد  
 وزیر عدلیه - بنده هم موافق هستم اشکالی ندارد.  
 ممکن است هر دو باشد و نوشته شود که اعمال و اجرا کند  
 این بهتر است.

رئیس - آقای دیبا پیشنهادتان را بنویسید.

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد بنده هم عوض اجرا اعمال مرقوم شود.

مؤید احمدی (غیر) - نظری که آقای وزیر عدلیه  
 موافقت کردند این بود که هر دو باشد پیشنهاد حضرات علی  
 این است که عوض اجرا اعمال گذارده شود.

طباطبائی دیبا - بنده هم موافقم که هر دو باشد  
 عیبی ندارد. اصلاح کنید.

وزیر عدلیه - بل اعمال و اجرا کند

رئیس - آقایانیکه باماده ۹۵۸ با اصلاحی که شد  
 موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۹۵۹ قرائت میشود:

ماده ۹۵۹ - هیچکس نمیتواند بطور کلی حق تمتع  
 و یا حق اجراء تمام یا قسمی از حقوق مدنی را از خود  
 سلب کند.

رئیس - آقایانیکه باماده ۹۵۹ موافقت دارند قیام  
 فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۹۶۰ قرائت میشود:

ماده ۹۶۰ - هیچکس نمیتواند از خود سلب حریت  
 کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق هسته  
 باشد از استفاده از حریت خود صرف نظر نماید.

رئیس - موافقین باماده ۹۶۰ قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۹۶۱:

ماده ۹۶۱ - جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از  
 حقوق مدنی متمتع خواهند بود:

۱ - در مورد حقوقی که قانون آنرا صراحةً منحصر باتباع  
 ایران نموده و یا آنرا صراحةً از اتباع خارجه سلب کرده است.

۲ - در مورد حقوق مربوط باحوال شخصی که قانون  
 دولت متبوع تبعاً خارجه آنرا قبول نکرده

۳ - در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر  
 جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.

رئیس - آقایانیکه باماده ۹۶۱ موافقت دارند قیام  
 فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۹۶۲:

ماده ۹۶۲ - تشخیص اهلیت هرکس برای همایه  
 کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود و هذلك  
 اگر بکنفر تبعاً خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد  
 در صورتیکه مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام  
 آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است  
 آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد  
 شد در صورتیکه مطلع نظر از تابعیت خارجی او و مطابق  
 قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای  
 اهلیت تشخیص داد.

حکم اخیر نسبت باعمال حقوقی که مربوط بحقوق

خانوادگی و یا حقوقی ارثی بوده و یا مربوط بتقل وانتقال  
 اموال غیر منقول واقع در خارج ایران میباشد شامل  
 نخواهد بود.

رئیس - اشکالی نیست (گفته شد - خیر) آقایانیکه با  
 ماده ۹۶۲ موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)  
 تصویب شد.

۴ - تقدیم پاك فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه  
 رئیس - پیشنهاد شده است که مجلس را ختم کنیم  
 (صحیح است) - آقای وزیر عدلیه فرمایند داشتهید.

وزیر عدلیه - لایحه ایست راجع باصلاح آئین  
 حکمیت تقدیم میکنم و نظر باینکه قانون سابق دارای  
 اشکالاتی بود و اسباب زحمت برای مردم و بطوره جریان  
 بود بعد از مدتی که آزمایش شد دیده شد که بآن صورت  
 چندان نافع نیست بلکه ضرر است اصلاحاتی شده است  
 که تقدیم میکنم.

۵ - موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

رئیس - اگر اجازه بفرمایید جلسه را ختم کنیم  
 (صحیح است) جلسه آینده شنبه ششم بهمن ماه  
 سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح ولایت عدلیه  
 (مجلس پانزدهم ساعت بعد از ظهر ختم شد)  
 رئیس مجلس شورای ملی - دادگر